

من هم انسانم از جنس شما

«دیروزمان به کوره آتش فرو شدن»، مصرع شعری است از شاعر پر آوازه کشور ما آقای کاظم کاظمی که می شود دنیایی از غم و اندوه را در هر کلمه آن مصرع یافت، من این مصرع را بار بار می خوانم و به آن می اندیشم، راستی چرا من و تو و در مجموع چرا ما افغان ها اینگونه هستیم؟ تا کی امروز ما مثل دیروز و دیروز ما مثل روز پیش یکی بعد هم و در هر کدام غم و اندوه جدید را تحمل نمائیم، تا کی به این دور باطل بچرخیم با وجودیکه میدانیم، مسیری را که می پیمائیم اشتباه است و به قول معروف این ره که میرویم به ترکستان است با آنهم با وجودیکه میدانیم اشتباه است با اصرار تمام به پیمودن آن دوام میدهیم. اگر دیروز به کوره آتش پرتاب ما کرد و اگر به قول همین شاعر به گور برادر گدای ما ساخت، باز هم از آن نیاموختیم و دوباره به دامن او غلتیدیم و به او پناه بردیم و این اشتباه همه روزه ما است که به تکرار بدون آنکه از گذشته های خود بیاموزیم و از آن عبرت بگیریم، به آن بیشتر مبادرت ورزیده و می پردازیم.

نتیجه این همه اشتباه و سهل انگاری های ما آن می شود که روزانه ده ها کودک، جوان، نوجوان، زنان و مردان دیار ما به امید یافتن محل امن برای زیستن و پیدا نمودن لقمه نانی راهی دیار مهاجرت می گردند و تن به تقدیر می سپارند. از این میان عده ای خوراک ماهی ها می شوند تنها در طی ماه جاری دو حادثه غم انگیز را از ورای رسانه ها شاهد بودیم که از اثر آن ده ها مهاجر افغان گرفتار خشم و طغیان بحر شدند و در عالم تنهایی و نا امیدی جان دادند و همچنین از سرنوشت تعدادی از آنها تا کنون خبری در دست نیست و شاید هم همه خوراک ماهی ها شده باشند. عده ای از این بی پناهان در مسیر راه شکار قاچاقبران و باند های مافیایی می گردند و به دام آنها گرفتار می شوند اما عده اندکی که موفق می شوند خود را به اصطلاح به منزل مقصود برسانند سرنوشت مشابه و یا حتی بدتر را دارند چه؛ با نهایت بی رحمی با آنها برخورد شده و این سرنوشت مأمول این پناهنده ها است.

باری در زیر لگدهای سنگین نیروهای امنیتی جان میدهند چنانچه چندی پیش یکی از پناه گزینان بی پناه افغانستان در جاکارتای اندونیزیا از سوی مأمورین امنیتی این شهر گرفتار و بعد از لت و کوب شدید آنها، جان داد و هیچکسی هم بجز نهاد های جامعه مدنی پرسیان نکردند که به چه جرمی وی به قتل رسید و چرا به خون غلطید. آیا جستجو نمودن مکان امنی برای زندگی کردن و تأمین معیشت فامیل جرم است؟ اگر هست پس چرا اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده پنجم خویش صراحتاً ذکر نموده است: «هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتار ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد.» این ماده همه افراد بشر را بدون قایل شدن استثنا به مهاجرین و بی پناهان از شکنجه و مجازات مصون دانسته است. افراد و دولت ها را ملزم دانسته است تا به آن مبادرت نوزند چون بشر بشر است، ولو اینکه بنا بر بعضی مجبوریت ها و حوادث تن به تقدیر داده اند و وطن و مأوی خویش را از دست داده اند.

این خانه بدوشان بی پناه عده بیشتر شان به پاکستان و ایران، تعدادی به اروپا، امریکا و در سالهای اخیر به استرالیا آرامش خود را جستجو نموده و به آن کشور ها پناه برده اند. آنهایی که به کشور ایران و پاکستان پناهنده شده اند به امید اینکه هم زبان و هم دین شان اند، فرهنگ و مشترکات زیاد دارند و از سوی دیگر همسایه اند عده ای با خاطره های خوشی از این کشور ها بر گشته اند و از مهربانی ها و مهمان نوازی های مردم آن کشور ها ستایش و توصیف می کنند اما عده ای شکوه و شکایت سر میدهند. به هر حال استثنی را نباید تعمیم داد به قول معروف «جنگل تر و خشک دارد» در هر جامعه با افراد و اشخاص گوناگون مواجه میتوان شد و با کرکتر های مختلف سر و کار میتوان داشت و این نهایت بی انصافی است که به خاطر بر خورد نادرست عده محدودی از افراد و اشخاص رفتار همه باشندگان آن کشور ها را مورد نکوهش قرار داد و توبیخ نمود.

ولی در این اواخر این دو کشور از مهاجرین به حیث ابزار پیشبرد سیاست ها و پالیسی های شان در قبال دولت افغانستان کار گرفته و آنها را قربانی خواسته های خویش می نمایند چنانچه بعد از تیره شدن روابط پاکستان با ایالات متحده امریکا، دولت آن کشور اخراج مهاجرین افغانی را در دستور کار خویش قرار داده و می خواهد از این طریق بر افغانستان و دولت آن اعمال فشار نماید. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران نیز پالیسی مشابه را تعقیب می نماید چنانچه ابوالفضل ظهیر وند سفیر ایران مقیم افغانستان باری به صراحت اعلام نموده بود که اگر

دپانو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

مقامات افغانستان معاهده ستراتژیک با ایالات متحده آمریکا را به امضاء برساند، آن کشور پناهیجویان افغانی را از خاک خویش اخراج خواهد نمود که این مسئله عکس العمل های متفاوتی را در پی داشت اما مقامات آن کشور این موضوع را رد نمود ولی با گذشت زمان کم کم به اثبات می رسد که آقای ظهیر وند به جا فرموده و موقف رسمی دولت خود را اعلام نموده بود چنانچه در این اواخر قیودات زیادی علیه مهاجرین وضع، که حتی آب و برق شان را که جزء نیازمندی های اولیه هر انسان است قطع کرده اند و به مغازه ها و فروشگاه ها دستور داده اند که به این مهاجرین مواد غذایی ن فروشند. مسئله ای که تا اکنون در هیچ نظام و قانونی سابقه نداشته و کاملاً مغایر دساتیر تمام ادیان زنده جهان و اخلاص انسانی و بشری میباشد. همچنین به مؤسسات و کار فرمایان ایرانی امر شده است که مهاجرین افغان را به کار نگمارند.

این مسئله مرا به یاد گفته «امام خمینی» رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، انداخت که فرموده بود: (اسلام مرز ندارد)، کاش اکنون امام خمینی زنده می بود و می دید مرزی را که اکنون سردمداران رژیم کنونی آن کشور میان اسلام و مسلمین قایل شده اند که حتی خلاف تمام موازین اخلاقی و انسانی، اتباع ایران حق فروش مواد غذایی را به مهاجر افغان و برادر مسلمانان نداشته باشند.

پایان